تهران نیازمند برنامه جامع کاهش آلودگی هواست

شفیع پور، مجید

15 میلیون نفر در 3 هزار کیلومتر مربع استان تهران زندگی می‏کنند تهران نیازمند برنامه جامع کاهش آلودگی هواست

مجید شفیع‏پور من با واژه عارضه سنجی صحبتم را آغاز می‏کنم که‏ شاید این مجموعه عواملی را آقای دکتر حجت اشاره‏ کردند،یعنی جمعیت 15 میلیونی را در حدود 3 هزار کیلو متر مربع در استان تهران جاد داده‏ایم.به بیان دیگر تقریبا 2/0 درصد از مساحت کشور در بر گیرنده 20 درصد جمعیت کشور است.این دو عدد و رقم نشان می‏دهد این‏ ظرف سر رفته و از توان اکولوژیک آن مدت‏ها گذشته‏ است.

با توجه به این موضوع اگر بخواهیم برای فقط محدوده‏ شهری تهران که حدود 705 کیلومتر مربع است‏ استراتژی داشته باشیم بی تردید با مانع روبه‏رو می‏شویم، چون شعاع تاثیرپذیری شهر تهران با اطراف آن،شدیدا به هم تنیده و اصلا غیر قابل انفصال هستند،یعنی حتی‏ اگر در همین گستره 705 کیلومتر مربع تهران محدود شویم،امکان موفقیت وجود ندارد.به واقع باید محدوده‏ و دامنه کار را حداقل در حیطه 3 هزار کیلومتر مربعی‏ بدانیم.طبیعتا شهر تهران به عنوان یک جزیره در بین این‏ 3 هزار کیلومتر مربع تلاش‏هایی انجام می‏دهد؛ فعالیت‏هایی در قالب برنامه‏عای عمل منتج از استراتژی‏های کلان کشوری در برنامه‏های توسعه دوم‏ و سوم و چهارم سعی کرد روند تکاملی خود را طی‏ کند.بایگانی شدن برنامه چهارم به واقع هم اکنون‏ کشور ما،که استان تهران و مجموعه شهری تهران هم‏ جدا از آن نیست،در رنج شدیدی از بی برنامگی و یا حداقل عمل نکردن به برنامه‏های موجود در عرصه محیط زیست به سر می‏برد.

اگر بخواهم به یکی از سئوال‏هایی که در این جلسه‏ مطرح شد جواب بدهم که آیا میان موضوع‏های مواد جامد ملنند پسماندها و پساب‏ها و آلودگی هوای موجود می‏توان تلفیقی ایجاد کرد و آن را به یک راهبرد تبدیل‏ کرد،باید بگویم پاسخ مثبت است.چون محققان و پژوهشگران ما طی یم دهه گذشته علل را به درستی‏ تشخیص دادند و این تشخیص گام بسیار بزرگی بوده‏ است.اکنون برنامه جامع تدوین شده است و باید به‏ اجرا در آید.حتی بر روی همین برنامه جامع نیز در روزهای واپسین دولت گذشته بازنگری کامل صورت‏ گرفت.در برنامه جامع کاهش آلودگی هوای تهران‏ پروژه‏ها و اثر بخشی آن‏ها هم دیده شده است که‏ اولویت‏ها را در گام نخست برنامه چهارم تبیین و توصیه می‏کند.

در سال‏های 72 تا 76 سه مورد مطالعه در سطح ملی و بین‏المللی صورت پذیرفت که متولی اصلی آنها شهرداری تهران بود.شهرداری این پژوهش‏ها را مشترکا با آژانس بین‏المللی ژاپن‏"جایکا"انجام داد.مورد دیگر همزمان توسط پشتیبانی صندوق بین‏المللی محیط زیست و از طریق بانک جهانی صورت پذیرفت.این دو مطالعه بر آلودگی هوا متمرکز بود.اولی در ارتباط با تدوین طرح جامع آلودگی هوا بود،یعنی هم منابع ساکن؛ شامل صنایع،کارخانجات و منازل و هم منابع متحرک‏ که خودروها را شامل می‏شد،دیگری یک طرح مشترک‏ با ابنک جهانی در مورد حمل و نقل بود.طرح مطالعاتی‏ دیگری را نیز فرهنگستان علوم و وزارت صنایع انجام‏ دادند که این هم باز کاملا با پشتیبانی منابع ملی اندیشمندان‏ و دانشمندان ایرانی صورت پذیرفت.این سه تلاش هر کدام افق‏های زمانی مختلف،5،10 و 25 سال آینده را ترسیم می‏کردند.در اوایل دولت اول آقای خاتمی‏ افرادی که درگیر مطالعه این طرح‏ها بودند،چه در عرصه‏ تخصصی و چه در عرصه مدیریتی،در سازمان حفاظت‏ تعداد واحد در هر هکتار محیط زیست جمع شدند.کشخصا آقای دکتر حجت‏ مسئولیت طرح فرهنگستان را عهده‏دار بودند و من‏ نیزآن دو طرح را در شهرداری انجام می‏دادم.حضور ما در سازمان زمان مناسبی برای تاثیرگذاری بیشتر بود.به همین سبب جلساتی به صورت غیر رسمی‏ پا گرفت که به تدریج به یکی از موفق‏ترین جلسات‏ بین بخشی تبدیل شد.از سوی همین جلسه به گروهی‏ از کارشناسان خبره ماموریت داده شد که بر یک برنامه‏ عملی برای تهران متمرکز شوند و برنامه‏ای را ارائه‏ دهند که اولا امکان اجرای آن باشددوم آنکه در بازه‏ زمانی 10 سال شدنی باشد و سوم اینکه میزان اثر بخشی‏ آن مشخص شود.این فعالیت‏ها حول هفت محور آمار تولید و واردات خودروی سواری شکل گرفت که شامل 36 پروژه بود.طی تقریبا هشت، نه ماه این کارشناسان نخستین پیش نویس برنامه جامع‏ را ارائه کردند که به تصویب هیات وزیران رسید.این‏ برنامه منطبق با سال اول برنامه چهارم بود.یک‏ بازنگری انجام شد.این کمیته اجرایی فرابخشی، مصوبه‏های بسیار خوبی را در دولت و مجلس شورای‏ اسلامی به تصویب رساند.بر همین اساس منطبق با برنامه چهارم اولویت‏های اجرایی برنامه جامع کاهش‏ آلودگی هوای تهران آماده شد.بهمن سال 83 محورها و اولویت‏ها را ارائه کردیم و عملا نسخه‏ای برای دوره‏ برنامه چهارم نوشته شد.در مرداد 84 کمیته اجرایی‏ این برنامه را تصویب کرد و قرار بود که به اجرا در آید، اما اکنون به نظر می‏آید برنامه به حالت معلق در آمده‏ است.چرا که واقعا کفایت مورد انتظار در عملی کردن‏ آن را شاهد نیستیم.

درباره پسماندها هم به همین ترتیب ما یک طرح جامع‏ مدیریت پسماند تهران داریم که الان در پیکره شهرداری‏ تهران در خدمات شهری و سازمان بازیافت و تبدیل‏ مواد به نحوی در حال اجراست.برای این می‏گویم به‏ نحوی که بعضی از اعتقادات به مدیریت کلان‏ شهرداری بر می‏گردد،یعنی شخص خود شهردار.در این جلسه مقایسه‏ای بین شهر تهران و لندن به عمل‏ آمد باید به این مهم اشاره کنم که آقای‏"کن لیوینگستون‏"، شهردار لندن،از سال 1980 در این سمت فعالیت دارد و شهردار لندن است.ولی ما در تهران بیشتر شهربان‏ داریم تا شهردار.این فرد هم برای خیلی از مباحث، قانونا هیچ اختیاری ندارد.بسیاری از تکالیف عملیاتی‏ اجرایی بر عهده‏اش گذاشته می‏شود،اما اختیاری برای‏ اجرا ندارد.باید اختیار مدیریتی برای شهردار در نظر گرفته شود.اگر پایداری و ثبات بسیاری برای مدیریت‏ شهری تهران در نظر گرفته شود بی شک توجیه‏ها ار می‏توان تبدیل به سیاست،سیاست را تبدیل به برنامه‏ و برنامه را تبدیل به پروژه کرد.

در همین جا مناسب است که به تلاش‏های خوبی در سال 1374 در شهرداری تهران به عمل آمد،اشاره کنم. در آن زمان آرمانی برای تهران 1380 مد نظر قرار گرفت، گروه‏های مختلفی تشکیل شد،برنامه‏ریزی استراتژیک‏ انجام گرفت و تهران 1380 به تصویر کشیده شد آن برنامه‏ مجدد باید انجام شود و تهران 90 به تصویر در آید.در تهران 80 شهر پاک،شهر روان(از نظر ترافیکی)،شهر با هویت فرهنگی و شهر ایرانی بر اساس بحث شهرسازی‏ داشتیم.

به این نکته هم لازم است اشاره کنم که مشکل ما عدم‏ تداوم برنامه‏ها در دستگاه‏های دولتی ما است.به این‏ دلیل باید از حضور آقای دکتر نجفی،خانم دکتر ابتکار در شورای شهر خرسند،بود،تا بتوان مانند تهران 80 فکری برای تهران 90 بشود.زیرا همان تحقیق و پژوهشی‏ که برای تهران 80 از سوی کارشناسان به عمل آمد در واقع اسناد بالا دستی استراتژی بود که بیشتر ماهیت‏ برنامه‏ای داشت قابلیت تبدیل شدن به پروژه را داشت تا شهرداری آن را عملیاتی کند.

آنچه به نظر من در ارتباط با آلودگی‏های محیط زیست‏ تهران مطرح است،موضوع آب از اهمیت بالایی‏ برخوردار است.هر چند که به دلیل اینکه آلودگی هوا بیشتر احساس می‏شود و به چشم می‏آید خود را بیشتر نشان می‏دهد.